

عقل حیران

علی اکبر احمدی

www.ketab.ir



شکل

سرشناسه	: احمدی، علی اکبر
عنوان و نام پدیدآور	: عقل حیران / علی اکبر احمدی.
مشخصات نشر	: تهران: علم، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص.
شابک	: 978 - 964 - 224 - 308 - 2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
موضوع	: نارسکی، آلفرد، ۱۹۰۲-۱۹۸۳. -- نقد و تفسیر
موضوع	: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰-۱۸۳۱م -- نقد و تفسیر
موضوع	: عقل
موضوع	: عقل گرایی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۷۳۳/۳۸۳۳
رده بندی دیویی	: ۱۴۹/۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۱۵۲۷۲



نسخه

عقل حیران

علی اکبر احمدی

چاپ اول، ۱۳۹۰

تیراز: ۱۶۵۰ نسخه

لینتوگرافی: کوثر

چاپ و صحافی: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بین بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۲۴ - ۳۰۸ - ۲

فهرست مطالب

مقدمه کتاب.....	۱
● عقل حیران.....	۷
منابع.....	۲۱
● تحول پارادایمی.....	۲۲
● رهیافت دوزبانی تارسکی.....	۴۲
اشاره.....	۴۲
۱. مقدمه.....	۴۲
۲. مراحل ورود تارسکی به معناشناسی.....	۴۴
۳. روش خاص تارسکی در معناشناسی.....	۴۷
۴. مسأله تعریف صدق.....	۴۸
۵. پاسخ تارسکی به مسئله صدق.....	۵۲
۵-۱. تعریف زبان محاوره‌یی و زبان صوری‌شده.....	۵۳

۵۶	۵-۲. انواع زبان‌های صوری‌شده.....
۵۷	۵-۳. مقوله معناشناختی.....
۵۹	۵-۴. طبقه‌بندی زبانها بر اساس مقوله معناشناختی.....
۶۰	۵-۵. تعریف معناشناختی و کلی جمله صادق در زبان‌های مختلف.....
۶۰	۵-۵-۱. تعریف معناشناختی و کلی جمله صادق در زبان محاوره‌ای.....
۶۸	۵-۵-۲. تعریف معناشناختی و کلی جمله صادق در زبان صوری‌شده نوع اول.....
۶۹	۵-۵-۲-۱. ساختار صوری زبان نوع اول.....
۷۱	۵-۵-۲-۲. تعریف صدق در زبان حساب مجموعه‌ها.....
۷۴	۵-۵-۲-۳-۱. تعریف اشتباع‌پذیری.....
۷۸	۵-۵-۲-۳-۲. تعریف صدق (یا جمله صادق).....
۷۹	خلاصه‌رای تارسکی.....
۸۳	منابع.....
۸۳	منابع فارسی.....
۸۳	منابع انگلیسی.....
	● ضرورت و زمان (نقدی بر تحلیل زمانی قضایای موجهه)
۸۵	
۸۵	چکیده.....
۸۵	مقدمه.....
۸۸	بررسی تفسیر زمانی موجهات.....
۸۹	۱. خطای روشی.....
۹۰	۲. نادیده گرفتن نسبت منطق و فلسفه قدیم.....
۹۳	۳. غفلت از تمایز آشکار میان ضرورت و دوام در فلسفه قدیم.....

۳-۱. معنای ضرورت در فلسفه قدیم.....	۹۳
۳-۲. معنای دوام در فلسفه و منطق قدیم.....	۱۰۸
تذکر و تأکید بر چند نکته.....	۱۱۵
منابع.....	۱۱۹
● نوح‌الدین هگلی (بررسی نسبت «پدیدارشناسی» و «منطق»)	
.....	۱۲۱
مقدمه.....	۱۲۱
۱. «پدیدارشناسی روح».....	۱۲۶
۲. «علم منطق».....	۱۲۸
۳. پاسخ هگلیان راست.....	۱۳۳
۴. موضع هگلیان چپ.....	۱۳۵
۵. داوری متون هگلی.....	۱۳۶
۶. لوازم تفسیرها.....	۱۳۸
۶-۱. لازمه تفسیر چپ از فلسفه هگل.....	۱۳۹
۶-۲. لازمه تفسیر راست از فلسفه هگل.....	۱۴۱
۷. نتیجه‌گیری.....	۱۴۲
فهرست منابع.....	۱۴۳
منابع فارسی.....	۱۴۳
منابع انگلیسی.....	۱۴۴

مقدمه کتاب

دفتر حاضر از چهار نوشته و یک مصاحبه فراهم آمده است. در
سطور ذیل می‌کوشم به کوتاهی مضامین آنها را معرفی کنم:
۱- در مقاله «عقل حیران» این رأی دین‌شناختی را مورد بررسی
قرار داده‌ام که:

عمده معارف دینی چنانند که هیچ‌گاه عبارت‌بندی و
تعریف و تحلیل دقیق فلسفی (و نیز ایدئولوژیک) بر
نمی‌تابند و کن به تصرف ذهن قالب‌ساز فیلسوف
نمی‌دهند. به عبارت دیگر فهم عقلانی و فلسفی دین
محال است: دین از اموری سخن می‌گوید که مفهوم‌بردار
نیستند (غیرقابل تعریفند) و عقل در مواجهه با آنها دچار
«حیرت» می‌شود. از جمله این امور مفهوم‌ناپذیر و
بیان‌نشده‌ی خدایی است که دین از آن سخن می‌گوید و
آن خدایی است که نه اراده‌اش وفق علیتی عمل می‌کند و
نه ملزم به رعایت موازین اخلاقی است.

اما این دیدگاه به نظر می‌رسد فی‌المثل گواهی تاریخ را نادیده
می‌گیرد که حسب آن الهیاتی که در آن خدا را مرتکب محال عقلی،
منطقی و اخلاقی می‌شمردند راه را بر نفی چنین الهیاتی و دینی
گشوده است.

۲- در مصاحبه «تحول پارادایمی» از مفهوم «دین اخروی» بحث کرده‌ام که حسب آن:

دین نیامده است تا زندگی بهتری «در این دنیا» به پیروانش هدایت کند و نظام حقوقی و اقتصادی کارآمدتری و برنامه کامل‌تری برای حل مشکلات دنیوی ارائه دهد که ثمربخش‌ترین برنامه‌ها بوده و تأمین‌کننده رفاه، معیشت، آزادی و پیشرفت، و دعوت‌کننده به مبارزه با فقر و ظلم و تشویق‌کننده به انقلاب، کار، سازندگی، تلاش، نظم، جامعه‌گرایی، حرکت، زاینده‌گی و در یک کلمه به سرفرازی و عزت در دنیا باشد. چراکه چنین برنامه‌ای را عقل آدمی خود می‌تواند کشف کند و بنابراین در این باب نیازی به دین ندارد. بلکه: دین آمده است تا بگوید جهانی و حیاتی پس از مرگ هست و آدمی باید خود را برای آن آماده کند. و البته آمادگی برای آن جهان هم در گرو نفی تعلقات و پیوند با خداست و آدمی در این مسیر آماده کردن خود برای آن جهان لازم است تا سهم این دنیا را بدهد، از مزاحمت و مانع‌تراشی آن جلوگیری کند، از اعداد و امداد آن بهره گیرد. البته آنچه دین در باب برنامه سعادت اخروی انسان می‌گوید نمی‌تواند دست‌آورد عقل آدمی باشد.

به نظر می‌رسد یکی از پرسش‌های قابل طرح در این باب آن است که چگونه می‌توان نشان داد که حدّ عقل آدمی تا کجاست و مقدرات ذهنی ما فلان است و بهمان نیست؟ و به چه دلیل می‌توان گفت عقل آدمی می‌تواند راه عزت و رفاه در دنیا را دریابد ولی از تشخیص مسیر منتهی به سعادت اخروی عاجز است؟

آیا چنانکه می‌گویند تاریخ است که توانایی و ناتوانایی عقل انسان را معلوم می‌سازد؟ و آیا تاریخ است که با پرده‌برداری از پیامدهای معیشتی و اجتماعی «دین دنیوی» و «دین اخروی» و تعیین نسبت هریک از آن دو با انحطاط و سرفرازی پیروان‌شان، درخصوص این دو مفهوم از دین داوری می‌کند؟ و اگر چنین است به داوری و قضاوت تاریخ در باب «دین اخروی» هم توجه دارند؟!

۳- در مقاله «رهیافت دوزبانی تارسکی» به یکی از مهمترین دلایل تکذیب توانایی عقلانی انسان یعنی مواجه شدن با شبهه و پارادوکس دروغگو پرداخته‌ام. در ادبیات فلسفی از بسیاری نام برده می‌شود که برآنند عقل نمی‌تواند تعیین کند که عبارتی نظیر «هر آنچه اکنون می‌گویم کاذب است»، کاذب است یا صادق؟ چرا که با فرض صدق آن، کذبش را و با فرض کذب آن صدقش را می‌توان نتیجه گرفت.

در این مقاله آراء آلفرد تارسکی منطق‌دان و فیلسوف لهستانی را در باب حل این مسئله توضیح داده‌ام. او بر آن است که با عبور از

زبان طبیعی (و در زبان‌های صوری) و با استفاده از رهیافت دو زبانی می‌توان از بروز چنین پارادوکس‌هایی جلوگیری نمود.

۴- به‌طور کلی در دو مقاله و مصاحبه پیشگفته پرسش اصلی آن است که چه معیاری برای تعیین قلمرو توانایی و ناتوانایی عقل و (خصوصاً چه دلیلی برای اثبات ناتوانایی عقل در حل مسئله‌ای) می‌توان ارائه کرد.

اما مسئله مهم دیگر آن است که حتی اگر بپذیریم عقل می‌تواند (ولو برخی از) امور حیرت‌آفرین و رازآلود را مفهوم‌بردار سازد و توضیح دهد، این بدان معنا نیست که درک عالم به‌سادگی و سهولت است. بلکه تنها با رعایت ضوابط و یابیندی به منطق و متدولوژی است که می‌توان گامی در این عرصه فرا پیش نهاد.

از جمله نکات منطقی قابل توجه در این باب آن است که نمی‌توان تفسیری متافیزیکی از عالم (و تحلیلی از مناسبات «ضروری»، «محال» و «ممکن» امور) را به مدد «شواهد تجربی» و برگرفته از «این جهان» و «این تاریخ» تدارک دید و بی‌اوانهاد. و این مطلب است که در مقاله «ضرورت و زمان» و در قالب «نقدی بر تفسیر زمانی قضایای موجهه»، از آن سخن گفته‌ام. لبّ کلام در آن نوشته همین است که اوضاع و احوال زمانی، تجربی و عینی نمی‌تواند

(حداقل در چارچوب منطق فعلی) مؤید یا منافی جهان‌بینی و طرز تفکر متافیزیکی و قضایای «ضروری» و «دائمه» باشد.

۵- و خلاصه در مقاله ذوحدین هگلی به طرح این پرسش پرداخته‌ام که: «اساساً منظور هگل از وحدت و اینهمانی عقل (خدا، منطق و متافیزیک) با تاریخ (و واقعیت) چیست؟»

و نشان داده‌ام که متون فلسفی (و بالاخص دو کتاب مهم «پدیدارشناسی روح» و «منطق») هگل به راحتی برملاء نمی‌سازد که کدامیک از آن دو بر دیگری مقدم است. اما «هگلیان چپ» معتقدند که «مقولات منطق» هگل جز در مظاهر واقعی و محسوس خود در عالم تجربه وجود دیگری ندارند و از این رو «پدیدارشناسی روح» هگل (که متکفل بیان و مقوله‌بندی اشکال متفاوت روح در منازل تاریخی آن و عهده‌دار نظم و روابط و منطقی است که میان مقولات برقرار است) مقدم بر کتاب «منطق» اوست.

«هگلیان راست» برآنند که «مقولات منطق» هگل بر طبیعت و تاریخ تقدم دارد و از نظر هگل امور انضمامی در سیطره امور انتزاعی‌اند و مقوله‌بندی و روابط امور انضمامی، وفق منطق و متافیزیکی پیشینی (چنانکه در کتاب منطق هگل بیان شده است) صورت می‌گیرد.

نکته اساسی در این نوشته آن است که هریک از این مدعیات لوازمی دارد که باید به آن پای‌بند بود و به عبارت دیگر:

نمی‌توان به «منطقی (و متافیزیکی) مبتنی بر شواهد تاریخی» و در عین حال «ضروری» قائل بود و یا به «تاریخی مبتنی بر منطق (و متافیزیک)» و در عین حال «تجربی» باور داشت.



اکنون با نظر به مطاب فوق معلوم می‌شود که: این دفتر تأملاتی است در خصوص توانایی‌ها و ناتوانایی‌های عقل و اینکه دستگاه ادراکی آدمی در فهم مقولات مختلف (خدا، دین، جهان، تاریخ و...) تا کجا توان رفتن دارد و در کجا ناتوان متوقف می‌گردد؟ به دیگر سخن مندرجات این دفتر بر اهمیت مسئله «تمیز» و «تعیین مرز» میان عقلانی و ناعقلانی پای می‌فشارد. اما علاوه بر آن در قلمرو فهمیدنی‌ها و در وادی تفسیر عالم از خلط میان تفسیر متافیزیکی و تجربی (و تاریخی) و عبور ناصواب (فوق منطق متعارف) از این به آن پرهیز می‌دهد.